اخبار

اجرای ارکستر ملی برای خلیج فارس

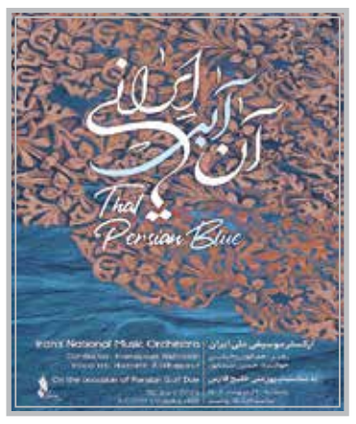

ارکستر موسیقی ملی ایران با رهبری همایون رحیمیان و آواز حسین علیشاپور، همزمان با روز ملی خلیج فارس اجرایی را با عنوان «آن آبی ایرانی» روی صحنه می‌برد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی بنیاد رودکی، این برنامه روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ ساعت ۱۵ در تالار وحدت برگزار می‌شود و با رویکردی ملی، بر پاسداشت هویت ایرانی و جایگاه تاریخی و فرهنگی خلیج‌فارس تأکید دارد. «آن آبی ایرانی» تلاش دارد تا در قالب موسیقی، روایتگر پیوند عمیق مردم این سرزمین با خلیج فارس و یادآور رشادت‌ها و ایستادگی دلیرمردانی باشد که در طول تاریخ، برای پاسداری از ایران جانفشانی کرده‌اند.

اجرای «آن آبی ایرانی» ارکستر موسیقی ملی ایران ساعت ۱۵ روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

واکنش سینمایی به «قطعی اینترنت»

انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند درباره قطعی اینترنت بیانیه ای را منتشر کرد.

به گزارش ایسنا، در متن این بیانیه آمده است:« نزدیک به دو ماه از قطع و اختلال گسترده اینترنت در کشور می‌گذرد؛ وضعیتی که نه‌تنها متوقف نشده، بلکه همزمان با تحولات اخیر، به شکلی عمیق‌تر و تبعیض‌آمیزتر استمرار یافته است. در این میان، دسترسی به اینترنت برای بخشی از افراد و نهادها برقرار مانده و شکل‌گیری آنچه به «اینترنت طبقاتی» شناخته می‌شود، واقعیتی انکارناپذیر است.

برای مستندسازان، اینترنت یک ابزار جانبی نیست؛ زیرساخت اولیه کار است. قطع آن یعنی توقف تحقیق، انسداد دسترسی به منابع، فروپاشی ارتباطات حرفه‌ای و قطع پیوند با جریان‌های جهانی. آنچه در این مدت رخ داده، صرفاً یک محدودیت فنی نبوده، بلکه تعلیق عملی امکان کار حرفه‌ای در حوزه مستند بوده است.»

بنا بر این گزارش در ادامه این بیانیه که از طریق روابط عمومی انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته آمده است:«این وضعیت در کنار ماهیت تبعیض‌آمیز دسترسی با اصول بنیادین قانون اساسی در تعارض است؛ اصل برابری شهروندان در برخورداری از امکانات عمومی، منع تبعیض و به‌رسمیت شناختن حق اشتغال. نمی‌توان از یک سو زیرساختی عمومی را مسدود کرد و از سوی دیگر همان زیرساخت را به‌صورت گزینشی در اختیار گروهی خاص قرار داد و همچنان از عدالت سخن گفت.

مسأله صرفاً دسترسی به اینترنت نیست؛ مسأله، عادی‌سازی تبعیض در دسترسی به امکان دانستن، کار کردن و ارتباط برقرار کردن است.

انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند، با تأکید بر حقوق حرفه‌ای اعضای خود و بر اصل خدشه‌ناپذیر برابری، پایان دادن به این وضعیت و بازگشت دسترسی پایدار و غیرتبعیض‌آمیز به اینترنت را ضروری می‌داند. استمرار این شرایط، نه‌تنها زیست حرفه‌ای مستندسازان را مختل کرده بلکه به تدریج معیارهای عدالت در بهره‌مندی از امکانات عمومی را نیز فرسایش می‌دهد.

هیات مدیره انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند.»

تهدید بازگشت سرمایه با انتشار غیرقانونی در شبکه‌های ماهواره‌ای

پول بدهید تا فیلم‌تان را در ماهواره پخش نکنیم!

تهیه‌کنندگان فیلم‌های «رها» و «گوزن‌های اتوبان» می‌گویند انتشار غیرقانونی آثار در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، نه تنها بازگشت سرمایه آنها را تهدید می‌کند، بلکه چرخه اقتصادی و آینده سینمای ایران را زیر فشار قرار داده است.

برخی از این شبکه‌ها تنها پیشنهاد خرید فیلم را ندادند بلکه به من زنگ زدند و گفتند مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت کنید فیلم‌تان را دیرتر پخش کنیم. این شرایط واقعاً وحشتناک است

در دنیای سینما، هر قاب تصویری تنها یک صحنه نیست، بلکه حاصل تلاش، سرمایه و رویاهای کسانی است که شب و روز برای خلق آن جان می‌کنند. اما وقتی آثارشان بدون اجازه در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی کپی و منتشر می‌شوند، این رویاها زیر سایه‌ای از بی‌عدالتی و خسارت مالی له می‌شوند.

به گزارش ایسنا، کپی‌رایت، نگهبان حق خلاقیت و سرمایه هنرمندان، گاه در ایران تنها یک نام است و نه تضمینی برای محافظت از آثار. حالا تهیه‌کنندگان با صدای بلند از تجربه‌های تلخ خود می‌گویند و هشدار می‌دهند که بدون حمایت قانونی و صنفی، چرخه سینما، این ماشین خیال و خلاقیت، آسیب می‌بیند و مخاطبان هم از دیدن آثار واقعی محروم می‌مانند.

در طول یک ماه گذشته چندین فیلم به اکران آنلاین رفته است که به نظر می‌رسید با تعطیلی سینماها و حضور مردم در خانه‌ها با استقبال خوبی مواجه شود اما متاسفانه پخش غیرقانونی این آثار در ماهواره لطمه جدی به پخش این فیلم‌ها وارد کرد.

از این رو به سراغ تهیه‌کنندگان دو فیلم «رها» و «گوزن‌های اتوبان» رفتیم که در حال حاضر فیلم‌هایشان در اکران آنلاین قرار دارد و از موضوع کپی‌رایت لطمه زیادی متحمل شدند.

هیچ اراده‌ای برای مقابله با کپی رایت فیلم‌ها وجود ندارد

سعید خانی -تهیه‌کننده فیلم «رها»- که به‌تازگی اثرش در اکران آنلاین عرضه شده، در پاسخ به ایسنا از تداوم معضل نقض کپی‌رایت در ایران و انتشار غیرقانونی آثار در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی انتقاد کرد.

خانی با اشاره به نبود قوانین مؤثر در حوزه کپی‌رایت در کشور گفت: در حال حاضر ما با یک خلأ جدی در حوزه قوانین حاکمیتی مرتبط با کپی‌رایت مواجه هستیم و طبیعتاً در چنین شرایطی، تهیه‌کنندگان و صاحبان آثار بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند.

وی ادامه داد: در بسیاری از موارد حتی شاهد هستیم افرادی که به‌صورت غیرقانونی آثار را منتشر می‌کنند، از صاحبان اثر درخواست پول می‌کنند تا پخش غیرمجاز را به تعویق بیندازند؛ موضوعی که نشان‌دهنده عمق بحران در این حوزه است.

این تهیه‌کننده سینما با تأکید بر ضرورت ورود جدی صنوف سینمایی افزود: این مسئله نیازمند یک اقدام صنفی و هماهنگ است. باید وکلای متخصص در حوزه سینما، چه در بخش فیلم و چه سریال، وارد عمل شوند و پیگیری‌های حقوقی منسجمی صورت گیرد. اگر چنین ساختاری وجود داشته باشد، می‌توان تا حدی از حقوق صاحبان آثار دفاع کرد.

خانی با اشاره به وضعیت اقتصادی سینما گفت: در شرایط فعلی، یک فیلم ممکن است در بهترین حالت ۴ تا ۵ میلیون مخاطب داشته باشد، اما در مقابل، نسخه‌های غیرقانونی آن توسط میلیون‌ها نفر در شبکه‌های مختلف دیده می‌شود؛ از شبکه‌های ماهواره‌ای گرفته تا کانال‌های تلگرامی، و حتی برخی مراکز عرضه فیزیکی در شهرستان‌ها.

وی ادامه داد: متأسفانه هیچ عزم جدی برای مقابله با این پدیده وجود ندارد. نه سازمان سینمایی و نه دستگاه قضایی، آن‌طور که باید این موضوع را پیگیری نمی‌کنند. این در حالی است که بازار قاچاق عملاً به‌صورت آنلاین و گسترده در حال فعالیت است.

این تهیه‌کننده با اشاره به پیگیری‌های پراکنده در این حوزه گفت: برخی از همکاران از طریق وکلا اقداماتی انجام داده‌اند و حتی علیه برخی شبکه‌ها شکایت کرده‌اند، اما این اقدامات محدود است و پاسخگوی حجم گسترده تخلفات نیست.

خانی با بیان اینکه عمر مفید اکران آنلاین بسیار کوتاه است، افزود: اکران آنلاین معمولاً حداکثر یک ماه بازدهی دارد و اگر در همین بازه زمانی اثر قاچاق شود، عملاً بخش عمده‌ای از درآمد از بین می‌رود.

وی با انتقاد از عملکرد نهادهای صنفی گفت: متأسفانه چه در خانه سینما و چه در سایر نهادهای مرتبط، اقدام مؤثر و جدی برای حل این مشکل دیده نمی‌شود. در حالی که اگر اراده‌ای وجود داشته باشد، می‌توان با همین ابزارهای موجود تا حد زیادی با این پدیده مقابله کرد.

خانی تأکید کرد: در حال حاضر سینمای ایران عملاً دو منبع درآمد دارد؛ اکران سینمایی و اکران آنلاین. با توجه به شرایط موجود، از جمله محدودیت‌ها و تحریم‌ها، بخش مهمی از درآمد تهیه‌کنندگان به اکران آنلاین وابسته است، اما همین بخش نیز به‌دلیل قاچاق آثار به‌شدت آسیب دیده است.

وی ادامه داد: متأسفانه به‌محض انتشار یک فیلم در پلتفرم‌های آنلاین، نسخه‌های غیرقانونی آن به‌سرعت در چندین شبکه و کانال‌های تلگرامی منتشر و حتی برای آن تبلیغ نیز انجام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گاهی به‌نظر می‌رسد این شبکه‌ها خود به تولید و توزیع محتوا مشغول هستند.

این تهیه‌کننده در پاسخ به میزان خسارت واردشده به فیلم «رها» گفت: اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، پیش‌بینی می‌کردیم حداقل حدود ۲۰ میلیارد تومان بازگشت سرمایه داشته باشیم، اما با انتشار غیرقانونی، بخش قابل‌توجهی از این درآمد از دست رفته است.

خانی در پایان با تأکید بر ضرورت فرهنگ‌سازی گفت: علاوه بر اقدامات قانونی، باید در حوزه آگاهی‌بخشی به مخاطبان نیز کار شود تا مردم بدانند استفاده از نسخه‌های غیرقانونی چه تأثیری بر چرخه تولید سینما دارد. اگر این آگاهی ایجاد شود، می‌تواند تا حد زیادی در کاهش این پدیده مؤثر باشد.

صفاری: قاچاق و کپی غیرقانونی، ضربه مالی جدی به سینما می‌زند

ابوالفضل صفاری -تهیه‌کننده فیلم «گوزن‌های اتوبان»- هم در پاسخ به ایسنا، درباره وضعیت سینمای ایران و مشکلات کپی رایت آثار پس از اکران آنلاین فیلم‌ها، گفت: در حال حاضر که مردم امکان رفتن به سینما را ندارند و شرایط برای سینماها سخت است، این بهترین فرصت بود برای اکران آنلاین. اما واقعیت این است که سینما در ایران مهجور است و سرمایه‌گذاران هم بسیار عاصی شده‌اند.

وی ادامه داد: بخش عمده‌ای از درآمد فروش سینما به سینماداران و دفترهای پخش می‌رسد و سود واقعی برای تهیه‌کننده بسیار کم است.

این تهیه‌کننده خاطرنشان کرد: اگر فیلم در سینما خوب بفروشد، سود محدودی به دست می‌آید، ولی اکران آنلاین منافع بهتری دارد و دست سرمایه‌گذار هم در آن بازتر است. از نظر من، انتشار غیرقانونی فیلم‌ها در شبکه‌های ماهواره‌ای یک بی‌عدالتی است.

صفاری بیان کرد: سینما همیشه نیازمند حمایت است، همانطور که در بسیاری از کشورهای دنیا، دولت‌ها سینما را یارانه می‌دهند، چه در بخش تولید فیلم و چه سالن‌های سینما. در اروپا، بسیاری از فیلم‌های داخلی با کمک دولت ساخته می‌شوند و بخش خصوصی فقط نقش توزیع‌کننده دارد.

وی در مورد تجربه «گوزن‌های اتوبان» در شبکه‌های غیرقانونی گفت: بعد از اکران آنلاین، فیلم ما بدون اجازه در شبکه‌های مختلف پخش شد. جالب اینجاست که برخی از این شبکه‌ها نه تنها پیشنهاد خرید فیلم را ندادند بلکه به من زنگ زدند و گفتند مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت کنید فیلم‌تان را دیرتر پخش کنیم. این شرایط واقعاً وحشتناک است.

این تهیه‌کننده یادآور شد: در کشورهای دیگر این مشکل از طریق قانون کپی‌رایت قابل پیگیری است، اما در ایران و برخی کشورها قوانین مناسبی وجود ندارد. باتوجه به اینکه فیلم «گوزن‌های اتوبان» محصول ایران و آلمان است من شخصاً از طریق وکیل شرکت آلمانی در حال پیگیری این موضوع از خارج کشور هستم تا ببینم چه می‌توان کرد.

وی تأکید کرد: مسئله کپی رایت نیازمند توجه و حمایت جدی است تا تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران سینمای ایران بتوانند با آرامش به فعالیت خود ادامه دهند و حق آثارشان رعایت شود.

صفاری درباره میزان آسیب‌های مالی ناشی از کپی غیرقانونی فیلمش گفت: واقعیت این است که هنوز برآورد دقیقی از عدد این خسارت‌ها نداریم، اما بدون تردید ضربه مالی قابل‌توجهی به پروژه‌ها وارد می‌شود.

او با اشاره به دسترسی آسان به نسخه‌های غیرقانونی فیلم‌ها افزود: وقتی فیلم‌ها به‌راحتی کپی و منتشر می‌شوند، عملاً چرخه اقتصادی اثر مختل می‌شود و بازگشت سرمایه با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

این تهیه‌کننده ادامه داد: برخی تصور می‌کنند پخش فیلم در ماهواره و کانال‌های تلگرامی و مجازی نوعی تبلیغ برای فیلم می‌باشد، اما در عمل چنین نیست و بیشتر به ضرر اثر تمام می‌شود.

صفاری در پایان ابراز امیدواری کرد که با ایجاد سازوکارهای مؤثر، امکان جبران خسارت‌ها و جلوگیری از گسترش این پدیده فراهم شود، چراکه به گفته او «این مسئله لطمه زیادی به سینما وارد می‌کند».

چرا «سیمین بانو» ماند؟

خواهرزاده جلال آل‌احمد از راز ماندگاری سیمین دانشور گفت و یادآور شد: دانشور نشان داد که می‌توان منتقد قدرت بود، بی‌آنکه مجذوب یا ابزار قدرت شد، و می‌توان سیاست را فهمید، بی‌آنکه در آن حل و هضم شد. او هنر را سپر و تریبون آزادی کرد، نه قربانی سیاست. شاید همین راز ماندگاری‌اش باشد.

محمدحسین دانایی، خواهرزاده جلال آل‌احمد در یادداشتی که به مناسبت هشتم اردیبهشت، سالروز تولد بانو سیمین دانشور نوشته و برای انتشار در اختیار ایسنا قرار داده، آورده است: مهرماه ۱۳۵۶، شب اول از مراسم «دَه شب» در انستیتو گوته تهران: هوا کمی سرد بود، هزاران نفر در حیاط ایستاده بودند و با شنیدن نام سیمین دانشور از میان جمع برخاست، به محل مخصوص سخنران‌ها رفت، رو به جمعیت کرد و با لهجه شیرازی و شوخ‌طبعی معمول گفت: مگه من تحفه‌ام که اینقدر کف می‌زنین!؟ جمعیت خندید و به کف‌زدن ادامه داد، شدیدتر و پراحساس‌تر. لحظه‌ای بعد، لحن و آهنگ صدایش عوض شد و با صدای بلند خواند: رَبِّ شْرَحْ لی صَدْری... و سخنرانی‌اش را آغاز کرد. از آزادی گفت و از این‌که در متون کهن آمده است: عالَم از آزادی به‌وجود می‌آید، در آزادی می‌آساید و در آزادی منحل می‌گردد. سپس تأکید کرد: دفاع از آزادی، مهم‌ترین مسأله هنر معاصر است و هنرمند راستین رسالت دارد برای این «سِرّ وجود» بکوشد.

این تعبیر چکیده‌ای است از نسبت دانشور با سیاست و الگوی سیاست‌ورزیِ هنرمندانه: نه تسلیم، نه کناره‌گیری خاموش، نه ورود مستقیم به قدرت، بلکه سیاست‌ورزی از مسیرِ هنر.

با اینکه مقتضیات فراوانی در اختیارش بود و مانعی هم بر سرِ راه نداشت، ولی سیاستمدار نشد، به هیچ حزب و گروهی نپیوست و در پیِ مقام و منصبی نرفت، اما از واقعیت‌های زمانه هم چشم نپوشید. آزادی، عدالت، کرامت انسانی و نقد استبداد در تاروپود آثارش تنیده است. «سَووشون» تنها یک روایت تاریخی نیست، بازخوانی رنج مردمی است که زیر سایه قدرت زیسته‌اند. «جزیره سرگردانی» نیز سرشار از پرسش‌های اجتماعی و سیاسی است، بی‌آنکه به بیانیه‌ای شعاری فرو کاسته شود.

وجه ایجابی رفتار او، آگاهی و حساسیت است: رَصَد رویدادهای زمانه، دفاع از حقوق اهل قلم، و ایستادن در کنار آزادی به‌مثابه بنیادی‌ترین حق انسان. وجه سلبی‌اش هم پرهیز از سیاست‌پیشگی و سیاست‌زدگی است: نه از اعتبار خانوادگی و دانشگاهی برای صعود سیاسی بهره گرفت، نه از نام و جایگاه همسرش برای ورود به میدان قدرت. در پرهیاهوترین دهه‌های تاریخ معاصر، استقلال خویش را حفظ کرد و غیرسیاسی ماند.

دانشور نشان داد که می‌توان منتقد قدرت بود، بی‌آنکه مجذوب یا ابزار قدرت شد، و می‌توان سیاست را فهمید، بی‌آنکه در آن حل و هضم شد. او هنر را سپر و تریبون آزادی کرد، نه قربانی سیاست. شاید همین راز ماندگاری‌اش باشد: سیاست می‌گذرد، اما هنری که آزادی را در جان خود نشانده باشد، در حافظه جمعی باقی می‌ماند.

اخبار

با ورود پرچم سبز رضوی

فضای منطقه آذربایجان شرقی به عطر حرم معطر شد

ابتکار - ماهان فلاح: با ورود پرچم سبز رضوی به منطقه آذربایجان شرقی عطر حرم مشام عشاقان ضامن آهو را نوازش داد.

همزمان با ایام دهه مبارک کرامت، با ورود کاروان رضوی و پرچم سبز رنگ حضرت امام علی ابن موسی الرضا (ع) به منطقه آذربایجان شرقی دلهای مشتاقان روشن و فضای منطقه به عطر حرم معطر گردید.

به گزارش روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های منطقه آذربایجان شرقی، کاروان رضوی زیر سایه خورشید میهمان دلهای مشتاق حضرت امام علی ابن موسی رضا(ع) در تبریز بود.

با ورود پرچم آستان مقدس رضوی(ع) چشم دل عاشقان ضامن آهو و مشتاقان ایران امام رضا(ع) روشن و فضای این منطقه به عطر جانبخش حرم معطر گردید.

بر اساس این گزارش، خادمان رضوی با حضور در جمع مدیریت، مسئولین و کارکنان این منطقه با اهدای تبرک حرم به اعضای حاضر، از مدیریت منطقه و مجموعه خدوم جهت پایداری در سنگر خدمت و توزیع بی وقفه و مداوم سوخت در شرایط سخت جنگ رمضان و ایجاد آرامش در جامعه تقدیر کردند.

شایان ذکر است کاروان رضوی و پرچم سبز رنگ در میان شور و شوق عاشقان حرم علی ابن موسی رضا(ع) در فضایی آکنده از معنویت و مودت به بارگاه مقدس رضوی بدرقه شدند.

انیمه‌ای که منبع الهام شاهکار نولان شد

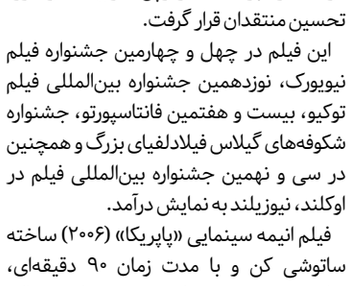

کریستوفر نولان کارگردان معروف آمریکایی یکی از مهم‌ترین آثار سالهای اخیر خود را با الهام گرفتن از یک انیمه ژاپنی ساخته است.

به گزارش ایسنا، داستان این انیمه علمی تخیلی، دلهره‌آور روان‌شناختی با نام «پاپریکا» در مورد دستگاهی است که از آن برای ورود به افکار و رویاهای بیماران استفاده می‌شود. عده‌ای سودجو و شیاد این دستگاه را می‌دزدند تا از آن برای مقاصد شوم‌شان استفاده کنند... هرج و مرج همه جا را فرا می‌گیرد و تنها یک پزشک زن به نام پاپریکا وجود دارد که می‌تواند به تمامی این کابوس‌ها پایان دهد...

ساتوشی کن کارگردان، انیماتور و هنرمند از هنرمندان فقید و اثرگذار سینمای ژاپن است. فیلم «تلقین» ساخته کریستوفر نولان با الهام از انیمه «پاپریکا» ساخته شد به طوری که شباهت‌های چشمگیری بین این دو اثر وجود دارد.

این فیلم بر اساس رمانی از یاسوتاکا تسوتسویی در سال ۱۹۹۳ ساخته شده است.

پاپریکا چهارمین و آخرین فیلم بلند ساتوشی کن پیش از مرگش در سال ۲۰۱۰ بود که نخستین نمایش جهانی خود را در شصت و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز داشت و برای شیر طلایی جشنواره رقابت کرد. این فیلم در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۶ در ژاپن اکران شد و مورد تحسین منتقدان قرار گرفت.

این فیلم در چهل و چهارمین جشنواره فیلم نیویورک، نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو، بیست و هفتمین فانتاسپورتو، جشنواره شکوفه‌های گیلاس فیلادلفیای بزرگ و همچنین در سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم در اوکلند، نیوزیلند به نمایش درآمد.

فیلم انیمه سینمایی «پاپریکا» (۲۰۰۶) ساخته ساتوشی کن و با مدت زمان ۹۰ دقیقه‌ای، ساعت ۱۸ پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ در سالن استاد ناصری خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید.

این تحلیل است که در صداوسیما می‌بینیم یا تهدید و زجرخوانی؟

مدیرعامل موسسه علمی مطالعات و بررسی‌های سیاسی و رسانه‌ای اندیشه و قلم، با نگاهی به عملکرد صداوسیما در طول ایام جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، به خبرآنلاین گفت: «از بالاوپایین‌کردن لیست بلندبالای شبکه‌های تلویزیون، دو چیز بیشتر دست مخاطب را نمی‌گیرد؛ یا کارشناس و تحلیل‌گرانی که مشخص نیست آن‌چه از زبان‌شان شنیده می‌شود تحلیل است یا تهدید و زجرخوانی؟ یا گزارش‌های میدانی از تجمعات خیابانی.»

به گزارش خبرآنلاین، قطع آن‌چه پیش‌تر به‌عنوان اینترنت می‌شناختیم و نشستن اصطلاح سیم‌کارت «سفید» یا سیم‌کارت «پرو» به جای آن، تنها موجب تبعات مالی و آسیب به حوزه اقتصاد دیجیتال نشده است. ازجمله شاهدان مثال این ادعا می‌توان به انسداد عموم راه‌های ارتباطی و رسانه‌ای و به‌تبعیت آن ناگزیری کاربران پیشین شبکه‌های اجتماعی پیام‌رسان‌های خارجی، به استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی، با وجود همه کج‌دار و مریزی‌شان، شد. در شرایطی که از اوایل تا اواسط جنگ ۳۹ روزهٔ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، تنها اینترانت (شبکه ملی اطلاعات) به‌جای اینترنت در دسترس کاربران ایرانی بود به مرور، اصطلاحاتی مانند سیم‌کارت سفید یا پرو مطرح شد.

روزنامه شرق در گزارشی در پاسخ به این که «اینترنت پرو چیست؟» نوشت هر کسب‌وکار برای دریافت اینترنت «پرو» باید یک نامه درخواست را که برایش ارسال می‌شود، تکمیل کند تا نامه در اختیار کمیته‌ای که شعام دستور تشکیل آن را داده است، کمیته‌ای شامل وزارت ارتباطات و مرکز ملی، قرار گیرد. همچنین فایل اکسلی هم برای افراد درخواست‌کننده ارسال می‌شود که باید نام افرادی که می‌خواهند از سیم‌کارت «پرو» استفاده کنند، به همراه اطلاعات دقیق در آن نوشته شود. در نهایت بعد از تأیید کمیته، کسب‌وکار درخواست‌کننده می‌تواند هر تعداد سیم‌کارت پرو را که در فایل اکسل اعلام کرده دریافت کند. در این گزارش در توضیح هزینه‌های دریافت «اینترنت پرو» اشاره شده است که: «هزینه آن یک میلیون و ۹۸۰ هزار تومان به‌علاوه ۱۰ درصد مالیات برای یک سال است. همچنین این سیم‌کارت‌ها ۵۰ گیگ اینترنت هدیه هم دارند». با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر گیگ «اینترنت پرو» در اپراتورهای مختلف بین ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان متغیر است.

خبرآنلاین در خصوص وضعیتی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴، با آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، به واسطه قطع اینترنت در حوزه علوم ارتباطات و رسانه شاهد آن هستیم به تازگی با امیر دبیری‌مهر، مدیرعامل موسسه علمی مطالعات و بررسی‌های سیاسی و رسانه‌ای اندیشه و قلم، گفت‌وگو کرده است. در این گفت‌وگو مشخصا بر عملکرد سازمان صداوسیما در طول جنگ ۳۹ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران تمرکز شد که متن کامل آن را می‌توانید اینجا بخوانید.

دبیری‌مهر، با یادآوری سال‌هایی که در این سازمان گذراند، تصریح کرد: «فراموش نکنید که من به هر حال، صداوسیما را خانه خود می‌دانم، دلبسته رادیو و تلویزیون هستم و بهترین سال‌های عمر کاری‌ام را در حوزه برنامه‌سازی و اجرا در این سازمان گذرانده‌ام. پس در دلسوزی‌ام برای این رسانه نمی‌توان تردید کرد و همین موجب می‌شود وقتی برنامه‌ای با سطح کیفی مطلوب نیز از قاب تلویزیون پخش می‌شود به آن اشاره و از سازندگانش تشکر کنم. برای همین می‌گویم، در کنداکتور بلندبالای شبکه‌های صداوسیما برای ایام جنگ، به‌عنوان مثال، نمی‌توان برنامه‌ای مثل «من ایرانم» را با اجرای محمدرضا شهیدی‌فرد (به تهیه‌کنندگی علی زارعان- شبکه نسیم) نادیده گرفت. هرچند باید یک شاخه گل در شورزار دانستنش و به چندین و چند برنامه دیگر صداوسیما در طول جنگ، به‌ویژه برنامه‌های گفت‌وگو، اشاره کرد که نه تنها، چنین نبودند که مثال‌هایی نقض برای این برنامه و عملکرد سازندگانش، به حساب می‌آمدند.»

وی تاکید کرد: «به هر حال، هر رسانه‌ای، ازجمله صداوسیما برای دعوت از کارشناس و تحلیل‌گران، باید اصول و استانداردهایی مشخص را رعایت کند.» دبیری‌مهر ازجمله این اصول و استانداردهای مشخص به «لزوم رعایت تنوع گرایش‌های سیاسی و جناحی کارشناسان، تطابق رشته تحصیلی و زمینه کاری آن‌ها با موضوع برنامه، توجه به توانایی سخنوری و دایره واژگان آن‌ها و همچنین برخورداری از چهره‌ای فوتوژنیک و... اشاره کرد و افزود: «جالب توجه این که برخی کارشناسان و تحلیل‌گرانی که در طول این مدت در برنامه‌های گفت‌وگومحور صداوسیما حضور پیدا کردند، فارغ از برخورداری یا عدم برخورداری‌شان از این ویژگی‌ها، افرادی ناشناس و فاقد کارنامه تحصیلی و کاری مشخص و قابل جست‌وجو به حساب می‌آمدند.» به عقیده او «موقعیت وقتی غامض‌تر می‌شود که این افراد تنها به اظهارنظر در مورد موضوع برنامه بسنده نمی‌کنند و چنین می‌پندارند که در جایگاهی قرار دارند که می‌توانند به مقامات رسمی سیاسی و نظامی کشور خط و ربط بدهند و برای آن‌ها تعیین تکلیف کنند. در حالی که جملگی این موارد خارج از چهارچوب‌ها، اصول و استانداردهای برنامه‌سازی است.»

این‌گونه، از بالاوپایین‌کردن لیست بلندبالای شبکه‌های تلویزیون، دو چیز بیشتر دست مخاطب را نمی‌گیرد؛ یا کارشناس و تحلیل‌گرانی که مشخص نیست آن‌چه از زبان‌شان شنیده می‌شود تحلیل است یا تهدید و زجرخوانی؟ یا گزارش‌های میدانی از تجمعات خیابانی. دبیری‌مهر با اشاره به این نکته ادامه داد: «باید اضافه کنم

که ارسال گزارش‌های تصویری از میادین شهر و مداحان سرشناس حاضر در این میادین، نیز ضروری است اما حاضران در میادین، نه همه ملت ایران هستند و نه همه روایت مقاومت در برابر دشمن، به آن‌ها محدود می‌شود. در واقع در جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، نظر به کنش‌گری لایه‌های گوناگون اجتماعی؛ از کادر درمان تا نیروهای خدماتی، می‌شد جنبه‌هایی بی‌نهایت زیبا از مقاومت ملی را به تصویر کشید. جنبه‌هایی که به تصویرکشیده‌شدنش آن‌ها از رسانه‌ای که عنوان «ملی» را یدک می‌کشد ضروری بود.»